

زندگی نامه آقا شیخ محمد علی قائنی

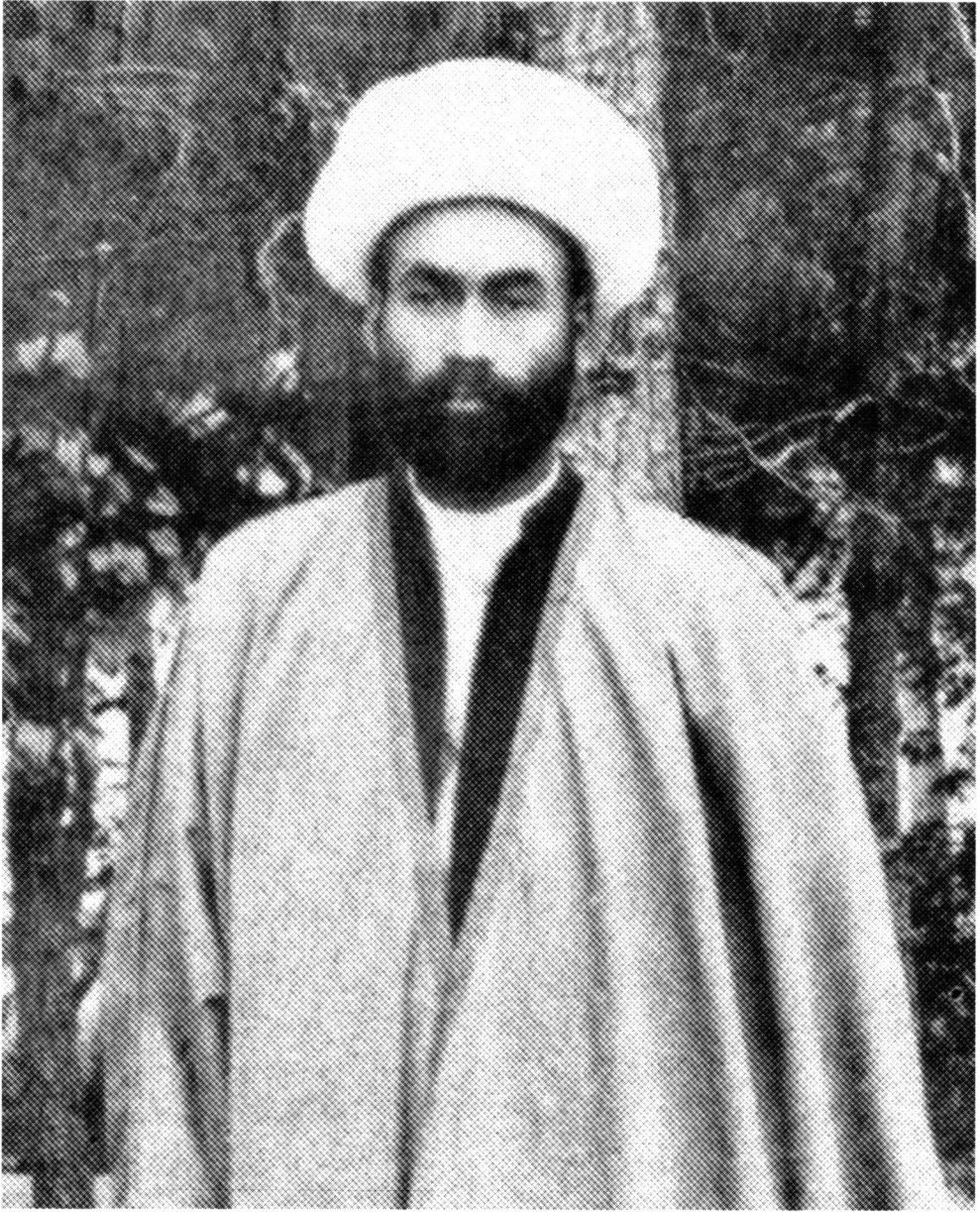
مینو فوادی

آقا شیخ محمد علی قائنی برادرزاده و داماد نبیل اکبر و در زمره حواریون حضرت بهاء‌الله (۱) و از دانشمندان برانزده امر در زمان حضرت عبدالبهاء می‌باشد. به دستور مرکز میثاق اولین مدرسه بهائیان را در عشق آباد تأسیس نمود و در تربیت و تعلیم نونهالان آن دیار نقش مهمی را ایفا کرده است. (۲) او مردی با قدرت و ابهت و از احترام و تکریم همگان حتی دشمنان برخوردار بود. ناطقی فصیح بود و هوش و حافظه‌ای بسیار قوی داشت. تاریخ امر را به نحوی شیرین و دلپذیر بیان می‌کرد که بارها سبب ایمان شنوندگان شده بود. ایشان به هنر موسیقی ایرانی وارد بود و هفت دستگاه را خوب می‌دانست. صوتی بسیار ملیح داشت به نحوی که در هنگام تلاوت آیات و مناجات شنوندگان را منقلب می‌نمود. حضرت عبدالبهاء صدای وی را در تلاوت آیات به صوت داودی تشبیه فرموده‌اند و در وصف صوت او می‌فرمایند: "اگر ابوموسی اشعری که یکی از اصحاب حضرت رسول بود، یک مزار از مزامیر آل داود را دارا بود خداوند به شما شش دانگ مزامیر آل داود عطا نموده است." (۳)

آقا شیخ محمد علی یکی از مدافعان عهد و میثاق بود و از جانب حضرت عبدالبهاء برای خاموش کردن فتنه ناقضین و رفع اختلاف بین احبّا به نقاط مختلفه ایران، هندوستان و مصر مسافرت نمود. ایشان قلمی بسیار زیبا و با قدرت داشت و نامه‌های وی هر یک نمودار ذوق لطیف، وسعت معلومات، شخصیت روحانی و ارده آهنین او می‌باشند. (۴)

زادگاه و تحصیلات

آقا شیخ محمد علی قائنی در سال ۱۲۷۷ ه. ق. (۱۸۶۱-۱۸۶۰م) در قریه نوفرست بدینا آمد. پدرش ملا محمد حسین یکی از برادران آقا محمد فاضل قائنی می‌باشد. وی در سن ۱۲ سالگی در یک هفته پدر و مادر را از دست داد و عمویش آقا علی حمایت این جوان را به عهده گرفت. تحصیلات ابتدائی را در نوفرست انجام داده و پس از فوت والدین، عموی ایشان آقا علی که سرپرستی وی را داشت وی را با یکی از پسرهای خود برای ادامه تحصیل



شیخ محمد علی قانسی



آرامگاه شیخ محمد علی قائنی - عشق آباد



این عکس در عشق آباد در حدود سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۴ میلادی گرفته شده است.

۱- شیخ محمد علی قائنی ۲- میرزا منیر نبیل زاده ۳- شناخته نشد ۴- شناخته نشد ۵- غلامرضا فرزند حاجی عنبر (مستخدم حاجی میرزا محمود افغان) - (تصاویر شماره ۳، ۴ و ۵ ظاهراً از کارگزاران و متصدیان امور نفوسی که نشسته اند میباشند که به احترامشان ایستاده اند) - ۶- حکیم باشی (حکیم الهی قزوینی) ۷- حاجی میرزا محمود افغان (فرزند ارشد حاجی میرزا محمد تقی افغان، وکیل الدوله) ۸- حاجی احمد راستانی ۹- شیخ احمد نبیلی ۱۰- سید مهدی قره باغی ۱۱- (کودک نشسته با لباس نظامی) ظاهراً از خانواده احمد اف ها (احمد زاده).

دینیه به مشهد فرستاد. مدت پنج سال ایشان در مشهد به پژوهش دانش اسلامی ادامه داده و به سبب علاقه‌ای که به طب قدیم داشت آن را نیز در این دوران فرا گرفت.

ملاقات با عموی بزرگوار جناب نبیل اکبر و ایمان به حضرت بهاء‌الله

گرفتاری و درگیری عموی دانشمند، فاضل قائنی، مورد شگفتی آقا شیخ محمد علی شده مصمم به ملاقات ایشان می‌گردد. او از ایمان نبیل اکبر به حضرت بهاء‌الله بی اطلاع بود و نمی‌دانست که علاوه بر ایشان پدر مرحوم (ملاً محمد حسین) و سایر عموها نیز به طلعت معبود ایمان آورده بودند ولی برای حفظ خود و جلوگیری از اذیت و آزار دشمنان ایمان خود را مکتوم داشته و به فرزندان و بستگان آن را ابراز نمی‌کردند. آقا شیخ محمد علی پس از مدتی تحقیق توسط جناب ملاعلی بجستانی به حقیقت مطلب آگاه و هر چه بیشتر مشتاق ملاقات عموی بزرگوار گردید. در آن زمان نبیل اکبر سخت تحت تعقیب بودند و در هیچ محلی بیش از مدت کوتاهی توقف نمی‌کردند. آقا شیخ محمد علی به جستجوی عمو به ترکستان مسافرت کرد و در عشق آباد ساکن شد. پس از چند ماه جستجو با یکی از احبای آن دیار به اسم حاجی ملاکاظم اصفهانی آشنا و متوجه می‌شود که نبیل اکبر هنوز در ایران است. لذا بدون درنگ به مشهد مراجعت نمود و در منزل ملاعلی بجستانی به ملاقات عموی خود نائل و به شرف ایمان فائز گردید. از فاضل قائنی تقاضا کرد که اجازه دهند تا او در جوار عموی دانشمند و گرمی خود بوده در سفرها با ایشان همراهی کند. آگاهی به زندگانی پرخطر و مشقت جناب نبیل اکبر و وجود جاسوس‌ها و دشمنان در اکثر نقاط ایران این جوان را از مصاحبت عموی خود باز نداشت و به خدمت و حمایت نبیل اکبر تا انتهای حیات ایشان مفتخر گشت.

خدمات تبلیغی

آقا شیخ محمد علی یک سال بعد از فوت نبیل اکبر از عشق آباد به منظور دیدن و کمک به همسر و دختر عموی گرمی به طهران مراجعت نمود. به همراهی ایشان برای فروش املاک مورثی از جناب نبیل اکبر به نوفرست رفته و پس از دو سال به زحمت و به قیمت بسیار نازلی آنها را فروختند. در هنگام بازگشت به طهران با فراست و تدبیر از شرارت و آزار ساربانان و افراد مختلف در طول راه و کاروانسراها حذر نموده و حتی مجبور شد مسافت زیاد بین شهرها را پیاده طی کند.

در دوران اقامت در طهران به نشر نفحات الله مشغول شد و در جلسات متعدد با بیانات مؤثر حقیقت امر را برای حاضرین اثبات می‌نمود. هفته‌ای یکبار نیز به محله یهودی‌ها رفته و با ادله و برهان جمع یهود را با این امر عظیم آشنا می‌کرد. در تمام دوران حیات چه در ایران یا در عشق آباد و سایر شهرهای روسیه، در هندوستان و مصر از هر فرصتی برای هدایت نفوس و ابلاغ کلمه‌الله استفاده نموده با نطق و بیان فصیح و صدای ملیح شنوندگان را به شرف ایمان هدایت می‌کرد. بعضی از مسافرت‌های تبلیغی به دستور حضرت مولی السوری بود چنانکه در لوحی که در ۱۹۱۹ میلادی به افتخار ایشان صادر شده است می‌فرمایند: (۵)

ای حبیب روحانی حوادث و اخبار پیاپی می‌رسد که حوالی آن دیار در نهایت استعداد است و رانحای از گلشن الهی به مشام بعضی رسیده و در زمان حرب سفر به آن سمت مشکل و مستحیل بوده

حال چون الحمد لله آتش جنگ خاموش و مردمان عاقل بهوش آمده‌اند اگر ممکن باشد و آسان که سفری به صفحات ناشکند و خوقند و سمرقند فرمائی و به اعلاء کلمه پردازى بسیار مطلوب و مرغوب، و از هندوستان پایى طلب مبلغ می‌نمایند آنچه تفکر می‌کنم کسی مناسب به آن صفحات نیست مگر آن حبیب روحانی اگر موافق نه و مشاکلی نیست و از برای شما سفر ممکن مأذون حضور به ارض اقدسید تا از اینجا به هند سفری بفرمائید و شام هندوستان نظیر ترکستان از نفس مشکین معطر گردد ولی به شرط اینکه مانعی نباشد و اما از جهت متعلقین مطمئن باشید قرار درستی داده می‌شود با وجود این مشروط به خوشی و رضایت و رأی شماست و علیک البهاء الابهی. حیفاً تموز ۱۹۱۹ عبدالبهاء عباس

مأموریت‌های محوله از طرف حضرت عبدالبهاء

این مأموریت‌ها اکثراً برای خاموشی فتنه ناقضین در نقاط مختلفه بود: اولین مأموریت ایشان به یزد بود که در منزل جناب وکیل الدوله (افغان) مستقر شدند. در ظرف مدت کوتاهی موفق به رفع اختلافات شده از تزلزل ایمان بعضی از حضرات افغان و احباً جلوگیری نمودند.

مأموریت دیگر برای رفع فتنه ناقضین در هندوستان بود حضرت مولی الوری به ایشان دستور فرمودند که به آن دیار سفر کرده و به همراهی جناب ادیب آتش فتنه ناقضین را خاموش کنند. مخارج سفر را نیز مرحمت کرده بودند. ازلی‌های طهران از این مأموریت باخبر شدند و به هم مسلکان خود اطلاع دادند که آقا شیخ محمد علی از طریق اصفهان عازم هندوستان است و زمینه شورش و ضوضا را فراهم کردند. لذا در بدو ورود به اصفهان وی و عده زیادی از احباً را تحت آزار و اذیت قرار داده و صدمات شدیدهای بر او وارد آوردند. از جمله اشرا تمام مایملک ایشان را غارت کرده لباس‌هایشان را از تنشان درآوردند و مبادرت به فحش و حمله بدنی کرده حتی شاطر نانوائی با شیخ داغ به پشت او چنان ضربتی می‌زند که خون همانند فواره از پشت وی سرازیر می‌شود. فراشها ایشان و چند تن از احباً را به منزل شیخ محمد تقی نجفی (ابن ذئب) برده و در اطاقی محبوس می‌کنند. به قدری ایشان را کتک زده بودند که سر و صورت متورم گشته به طوری که شناخته نمی‌شدند. اشرا راحت ننشسته و با شکستن در اطاق تصمیم به قتل آقا شیخ محمد علی می‌گیرند. فراشهای شیخ محمد تقی نجفی به بهانه اینکه بدون حکم شیخ محمد تقی انجام این کار غیرممکن است ایشان را از دست آنها نجات داده در طویله‌ای جا می‌دهند. پس از مدتی در یک اطاق خرابه خارج از شهر که سقف نداشته و قبلاً مریضی آنجا بوده زندانی می‌کنند. چون ایشان بدون لباس بودند لذا از البسه کثیف و پاره همان مریض استفاده کرده و هر روز هدف فحش و ناسزای چند پیرزن بسیار متعصب که در آن خانه زندگی می‌کردند بود.

پس از یک هفته مجبور به ترک آن محل گردید ولی بدون پول و لباس و ناآشنایی در آن شهر گرفتاری او بیشتر شد. با کمک فراشان و به عنوان یک فرد تریاکی به زحمت از شهر عبور کرده و به منزل تنها بهائی که در اصفهان می‌شناخت رسیدند. صاحب منزل در خانه نبود و با التماس زیاد بالاخره شب را آنجا مانده و روز بعد در برجی که در باغ میرزا اسدالله خان وزیر بود مخفی شد. با راهنمایی و محبت نایب الحکومه اصفهان، آقا شیخ محمد علی

با زحمت و گرفتاری به طهران روانه شد. در طول راه نیز از چنگال دهقانان که در صدد قتل وی بودند به سختی فرار نمود.

ماهها طول کشید تا آقا شیخ محمد علی از صدمات وارده در اصفهان بهبود حاصل کرد. چون تمام مخارج سفر را اشرار در اصفهان از ایشان ربوده بودند برای انجام مأموریت خود منزل کوچکی که از نیل اکبر به همسرشان ضیائیه خانم ارث رسیده بود به گرو گذاشته و هزینه مسافرت را فراهم کردند. یکسال و نیم در هندوستان اقامت کرد و مأموریت خود را به نحو احسن انجام داده و باعث هدایت عدّه زیادی به امر گردید.

در ایام اقامت در عشق آباد به دستور مبارک به خوسف از قراء بیرجند سفر کرده تا با عدّه‌ای از ناقضین ساکن آن ناحیه مذاکره کرده و حقیقت امر را به آنها بفهماند. در این سفر نیز وقتی در بین راه برای دیدار اقوام قصد رفتن به بیرجند و نوفرست کرد، شیخ محمد باقر گزاری برای ممانعت از ورود ایشان به آن نواحی به تحریک عوام پرداخت. نامه امضاء شده آخوندهای محل را برای شوکت الملک علم، امیر قائن فرستاد و از ایشان درخواست اجرای حکم تبعید آقا شیخ محمد علی را نمود. امیر شوکت الملک به ایشان احترام می‌گذاشت و در حاشیه نامه نوشت که باید به رؤیت آقا شیخ محمد علی رسانیده شود و بدین وسیله خطر رفع و ایشان به عشق آباد مراجعت کرد از آنجا نامه‌ای به شیخ محمد باقر گزاری نوشت که متن آن در مصابیح هدایت به چاپ رسیده است. (۶)

آخرین مأموریت ایشان در هنگام تشرّف به عکا در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ میلادی بود. حضرت عبدالبهاء دستور فرمودند که ایشان به اسکندریه رفته و از اذیت و فتنه ناقضین آن ناحیه جلوگیری نماید. در تمام این مأموریت‌ها ایشان از هر موقعیت و فرصتی استفاده کرده احبّاء را به اهمیت شناسایی و درک عهد و میثاق دلالت می‌کرد.

اتمام کتاب کشف الغطاء

در سال ۱۳۳۲ ه. ق. (۱۹۱۴ میلادی) جناب ابوالفضائل گلپایگانی در مصر صعود نمودند. اوراق و نوشتجات ایشان به ارض اقدس فرستاده شد. کتاب کشف الغطاء نیز در بین نوشته‌جات بود که بنا به وصیت ایشان آقا سید مهدی گلپایگانی می‌بایست آن را به پایان رساند تا اشتباهات ادوارد براون در کتاب نقطه‌الکاف برای خواننده روشن شود. حضرت عبدالبهاء سید مهدی را به حیفا احضار فرمودند ولی ایشان به علل اشکالات خانوادگی و مالی موثّق به اجرای امر مبارک نشد. لذا حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۴ م. تلگرافی آقا شیخ محمد علی را به ارض اقدس احضار فرمودند. در آنجا به ایشان دستور دادند که نوشتجات را به عشق آباد برده سپس همراه آقا سید مهدی به طهران بروند و با کمک حضرات ایادی امرالله کتاب را به اتمام رسانند. دستور اجرا شد بدین صورت که آقا شیخ محمد علی و آقا سید مهدی همراه با جناب میرزا محمود افغان به طهران رفته و در منزل ارباب فرج کاشانی اقامت نمودند و شروع به کار کردند. آقا شیخ محمد علی و حضرات ایادی مدارک و اطلاعات لازمه را جمع‌آوری کرده و سید مهدی آن را به رشته تحریر در می‌آورد. بدین ترتیب کتاب کشف الغطاء پس از ده ماه به اتمام رسید. (۷)

تربیت نونهالان و ایجاد مدرسه بهائی در عشق آباد

یکی از خدمات درخشان و پرازش آقا شیخ محمد علی قاضی تاسیس مدرسه بهائی در عشق آباد تحت نظر محفل روحانی آن شهر می‌باشد. هنگام مرخصی از ارض اقدس، حضرت عبدالبهاء به ایشان مأموریت تعلیم و تربیت نوجوانان بهائی عشق آباد را می‌دهند. لذا آقا شیخ محمد علی به جای بازگشت به وطن و خانواده، برای اقدام این امر مهم به عشق آباد رفته و شروع به انجام مأموریت خود می‌کند. (۸)

در ابتدا اداره مدرسه و تدریس دانشجویان به تنهایی برای آقا شیخ محمد علی میسر بود ولی روز بروز به علت ورود اجنبی به عشق آباد به تعداد دانشجویان اضافه می‌شد و آقا شیخ محمد علی احتیاج به کمک و معلم داشتند. ایشان با اجازه محفل روحانی عشق آباد به طهران رفته و آقا شیخ حیدر را که شخصی دانشمند و معلمی با تجربه در مدرسه تربیت بود، انتخاب کردند. سپس با اطلاع محفل روحانی طهران و رضایت اولیای مدرسه تربیت، ایشان را با خود به عشق آباد بردند.

درباره مدرسه عشق آباد مقالات متعدد در مجلات امری خارج از ایران منعکس شده است و اهمیت و اثر چنین مؤسسه‌ای در آن دوران از زمره افتخارات جامعه بهائی عشق آباد محسوب می‌شود. رجال بس ثابت قدم، دانشمند و خادم از فارغ التحصیلان این مدرسه بوده و امروزه نیز عده‌ای از آن نفوس در قید حیات هستند و به خدمت مشغول بوده و جوامع بهائی در نقاط مختلف جهان از فیض حضورشان برخوردارند.

تشرّف به ساحت مقدّس حضرت عبدالبهاء

در سال ۱۹۰۳-۱۹۰۴ میلادی زمانی که در هندوستان به همراهی جناب میرزا حسن طالقانی ملقب به ادیب برای رفع اغتشاش ناقضین رفته بودند، اجازه تشرّف به ارض اقدس حاصل کرده و از هندوستان به عکا رفتند. مدتی در حضور حضرت عبدالبهاء مشرف بودند و در این اوقات فوق العاده مورد عنایت مولای عزیز قرار گرفتند. سفر دوم در سال ۱۹۱۴ میلادی بود که شرح آن در بالا (اتمام کتاب کشف الغطاء) داده شده است.

آخرین سفر در سال ۱۹۱۹ م. بود و از راه هندوستان و مصر با وجود مشکلات عدیده به زیارت حضرت مولی الوری نائل گردید. در این سفر علاوه بر رفتاری‌های وارده در هندوستان، در مصر نیز با سختی‌های متعدد روبرو شد. در مصر فردی به نام شیخ جمل که از مبغضین و کارش تحریک و آزار احبا بود مزاحمت زیاد برای ایشان ایجاد کرد و سفر حیفاً را به تأخیر انداخت. پس از مدتها سختی و مشکلات با کشتی (همراه با پسر ارشدش بهاءالدین) به بندر حیفاً وارد شد. به دستور حضرت عبدالبهاء در حدود پانزده نفر به استقبال ایشان رفته بودند که پس از ماه‌ها سختی و مشقت دیدار احباء در اسکله حیفاً تمام ناراحتی‌های گذشته را از یاد برد. ایشان فوراً به حضور مولای عزیز شتافت و خود را بر اقدام مبارک انداخت. حضرت عبدالبهاء او را بلند کرده و با لبخند نوازش آمیز می‌فرمایند:

”موج دریا خوش‌تر آمد یا که تر تیغ او دلکش‌تر آمد یا سپر“ (۹)

آقا شیخ محمد علی در حدود یکسال و نیم در محضر اقدس بود تا روزی حضرت عبدالبهاء در مجلسی در حضور احبّاء ایشان را مخاطب نموده می‌فرماید: "جناب آقا شیخ محمد علی دیشب خوابی دیدم که در باغی هستیم بسیار باصفا و خیابان‌ها مشجر و در باغچه‌هایش گل‌های بسیار خوب کاشته شده بود. شما از دور پیدا شدید از شما پرسیدم که من جناب حاجی وکیل الدوله را در این جا دیده‌ام ولی از نظرم غایب شده‌اند شما ایشان را ندیدید؟ جواب دادید خیر. گفتم آقا شیخ محمد علی میل دارید با هم برویم منزل ایشان؟ شما گفتید البته، در حضور مبارک خیلی میل دارم که به خدمت ایشان مشرف شوم و با هم دو نفری به خانه ایشان روانه شدیم." بعد فرمودند "شما مرخصید." (۱۰)

در مراجعت هنگام عبور از هندوستان در سرحد تلگرافچی که از احباب بود تلگرافی را که حاوی خبر صعود حضرت عبدالبهاء بود به ایشان می‌دهد.

خصوصیات فکری و اخلاقی

آقا شیخ محمد علی مردی خودساخته و دارای شخصیتی بارز و فراموش نشدنی بود. با اینکه در سن دوازده سالگی از سرپرستی پدر و حمایت زندگی خانوادگی محروم شد معذک این کمبود کوچکترین اثری در کسب علم و فضائل روحانی و اخلاقی او ننمود.

ایشان دارای هوش زیاد و فراستی بود که به گفته عزیزالله سلیمانی کمتر در فردی دیده می‌شود. وی با یک نظر دوست را از دشمن و موافق را از منافق تشخیص می‌داد. در دوران حیات بارها این صفت، ایشان و خانواده را از خطر نجات داد. به عنوان مثال هنگام مراجعت از نوفرست به طهران با تدبیر از چنگال اشرار بسیار متعصب و با طمع، جان خود و همراهان را حفظ نمود. (۱۲)

حافظه قوی نیز یکی دیگر از خصائص این نفس نفیس بود. ایشان احاطه وسیع به آیات و آثار الهیه داشته و از وقایع کلی و جزئی امر اطلاع دقیق داشت. خانواده‌های بهائی عشق آباد را خوب می‌شناخت و نام یک یک اطفال آنها را می‌دانست. شرح وقایع امری و تاریخ مربوط به این دور عظیم را با چنان شیرینی و لطف بیان می‌کرد که شنیدن آن مستمع را به وجد آورده و برای عده‌ای وسیله ایمان می‌گردید.

ایشان ناطقی زبردست و فصیح بود و در جلسات تبلیغی در ایران، هندوستان، مصر، ترکستان و ترکمنستان با بیان قاطع و روشن به هدایت نفوس موفق گردید. بدون تردید نحوه مذاکره و استدلال محکم ایشان در مسائل روحانی و اداری این امر و اثبات حقیقت یکی از شواهد مأموریت‌های متعددی است که حضرت مولی‌الوری به ایشان محوّل فرمودند.

آقا شیخ محمد علی نویسنده‌ای با حسن قریحه ویژه بود. در نامه‌های ایشان به دوستان و مخالفین از طرفی سلاست و انشای روان، درک مطالب مورد بحث را آسان می‌کند و از جانبی صراحت و شجاعت ابراز افکار، خواننده را به احترام و تحسین وادار می‌نماید. خط نسخ و نستعلیق بسیار زیبای ایشان نیز به ارزش این مکتوبات افزوده است. نامه‌های متعددی از آقا شیخ محمد علی در دست احبّاء است و چند نمونه از آنها در مصابیح هدایت و آهنگ بدیع به چاپ رسیده است. (۱۳)

حضرت عبدالبهاء عنایات فوق العاده به ایشان می‌فرمودند. شواهد آن الواح نازله به افتخار آقا شیخ محمد علی می‌باشد. (۱۴) در ایام تشرّف نیز به دستور مبارک مدّت زیادی در ارض اقدس (۶ ماه تا یکسال و نیم) می‌ماند.

مشى و سلوک متین و با ابهت آقا شیخ محمد علی بی‌اختیار حس احترام را در کسانی که با ایشان روبرو می‌شدند بر می‌انگیخت. افراد غیربهائی به ایشان با نظر احترام نگریسته و در معابر عمومی ابراز تکریم و تعظیم می‌نمودند. شوکت الملک علم امیر قائن به ایشان ارادت داشت و از تحریک شیخ محمد گزری در بیرجند بر علیه ایشان جلوگیری نمود. عزیزالله سلیمانی در مصابیح هدایت شرح رفتار مردی به نام زبیل را می‌دهد که از سردسته اشرار شهر بود و کسی بود که حتّی اعضای حکومت از او خوف داشتند و حرکات جنایتکارانه وی را نادیده می‌انگاشتند. این شخص با آنهمه شرارت هر وقت جناب شیخ را می‌دید سلام کرده احترام به جا می‌آورد و گاهی دسته گلی نیز به ایشان تقدیم می‌کرد. (۱۵) در کلاس درس نیز شاگردان جرأت حرکت خلاف نداشتند و ساکت و آرام به سخنانشان گوش می‌دادند. آقا شیخ محمد علی فردی منظم و در کارهای امری بسیار دقیق بود و بی‌نهایت به نظافت ظاهری اهمّیت می‌داد.

قدرت کلام و استدلال محکم در اثبات حقیقت، برای مقابله و مباحثه با ناقضین و ازلی‌ها و افرادی که در ایمان تشکّت پیدا کرده بودند بسیار مؤثر بود. اکثر مأموریت‌های محوکه از جانب حضرت عبدالبهاء را با موفقیت انجام می‌داد. ایشان مورد اعتماد حضرت مولی‌الوری بوده و مأمور حمایت عهد و میثاق بودند.

آگاهی به دستگاه‌های موسیقی ایرانی و صدای زیبای ایشان در تلاوت مناجات یکی از خاطرات فراموش نشدنی افرادی است که با آقا شیخ محمد علی محشور بودند. با آنکه آقا شیخ محمد علی از خانواده اشراف و متمول نوفرست بود ولی در نهایت قناعت خود و فامیل زندگی کرد و حتّی گاهی در مسافرت‌های امری مقدار کمی پول و لوازم مورد احتیاج را از عشق آباد، همسرشان تهیه کرده و برایشان می‌فرستاد. (۱۶) ایشان همه اوقات عمر را مانند عموی بزرگوار نبیل اکبر و بسیاری از متقدّمین امر در خدمت گذرانید.

زندگانی شخصی و خاندان

آقا شیخ محمد علی دارای دو خواهر به نام‌های بدرالنساء و زیب النساء و یک برادر به نام میرزا احمد خان بود. میرزا احمدخان در جوانی وارد خدمات دولتی شده و به احتشام الوزاره ملقب گردید. همسر ایشان ضیائیه خانم دخترعمو و صبیّه جناب نبیل اکبر و فوق العاده مورد عطوفت و احترام حضرت عبدالبهاء بودند. ثمره ازدواج ایشان چهار پسر به نام بهاء‌الدین، ضیاء‌الدین، حسام‌الدین و همام‌الدین و سه دختر به نام نادره هویه و باهره می‌باشد که همگی در ظلّ امر بودند و آخرین اولاد ایشان باهره قدیمی در قید حیات است.

پایان حیات

آقا شیخ محمد علی در اپریل ۱۹۲۴ میلادی پس از دو سال بیماری در عشق آباد صعود نمود و در گلستان جاوید آن شهر در جوار مقبره عموی بزرگوار جناب نبیل اکبر به خاک

سپرده شد. هم اکنون مزار این دو خادم آستان الهی در گلستان جاوید عشق آباد محفوظ مانده است و گذشت روزگار بر آنها آسیبی وارد نیاورده است.

الواح نازله به افتخار آقا شیخ محمد علی قائنی

الواح متعدد از حضرت عبدالبهاء به افتخار آقا شیخ محمد علی صادر گردیده که حاوی مراحم و الطاف بی‌پایان آن حضرت به ایشان و قدردانی از خدمات وی به آستان مقدس است. بعضی از این الواح در مجلّات مکاتیب حضرت عبدالبهاء به چاپ رسیده است. در یکی از این الواح (۱۷) می‌فرمایند:

الهی الهی هذا عبدک آیت توحیدک و رایت تفریدک التّائقی بذکرک النّاصر لدینک النّاشر لنجاتک التّمتیع فی کلماتک ربّ اجعله مصباح الفلاح و سراج نجاح بین برّتیک یرتل آیات شکرک بین عبادک و یتلو علی الغافلین قرآن حجّتک و برهانک ثمّ احفظه من طوارق اللّیل و جوارح النّهار و الهمز و اللمز و غمز الاشرار. انک انت المقدر العزیز الجبار.

در لوح دیگر (۱۸) می‌فرمایند:

هو الله ای یادگار حضرت نبیل جلیل آن بزرگوار در عراق یار و ندیم بود و مونس قلب حزین، قلب عبدالبهاء نهایت تعلق به او داشت و فوت و مصیبت ایشان بسیار تأثیر نمود ولی تسکمی خاطر به وجود شما حاصل است تصرّح و زاری به ملکوت ابهی نمایم که شمع روشن او باشی و یادگار محترم او فی الحقیقه به خدمت مشغولی و به عبودیت مألوف و به همت و استقامت موصوف. البّنه این خدمات در عتبّه ربّ الآیات مقبول و فضل موعود محتوم زیرا در نزد عبدالبهاء محبوب هستی... ع

آقا شیخ محمد علی پس از صعود نیز مورد عنایت حضرت ولی امرالله قرار گرفتند و در جواب عریضه معلّمه خانم سینازاده درباره مجلس تذکّر آقا شیخ محمد علی، حضرت ولی امرالله می‌فرمایند: خدمات باهره آن شخص شهر در درگاه ربّ قدیر مقبول و مذکور و الی الابد ذکرشان باقی و مشهور... آن متعارج به رفیق اعلی در بحیوّة الرّضوان متنعم و مخصوصاً در مقامات مطهره علیا دعا و نیاز می‌شود و طلب علوّ درجات در حقّشان می‌گردد. (۱۹)

آثار آقا شیخ محمد علی قائنی

از آثار ایشان یکی جمع‌آوری و اتمام کتاب مدارک "کشف الغطاء" است که توسط جناب ابوالفضائل گلپایگانی آغاز شد و ایشان با جناب سید مهدی گلپایگانی و حضرات ایادی امرالله آن را به پایان رساندند. (۲۰)

کتاب درسی به نام "دروس الدیانه" که نسخه خطی آن که به خط خود ایشان می‌باشد به چاپ رسیده و در مدرسه عشق آباد توسط خودشان تدریس می‌شد. این کتاب به زبان‌های دیگر از جمله عربی نیز ترجمه شده و به چاپ رسیده است. (۲۱)

رساله "جوابیه" بر ردّ ادعای ناقضین به زبان عربی که در مصر به چاپ رسیده است. (۲۲)
رساله "سؤال و جواب" که در آن سؤالات راجع به امر را با دلیل و برهان پاسخ داده‌اند این رساله در مدرسه عشق آباد تدریس می‌شد ولی به چاپ نرسیده است. (۲۳)

سخنرانی که در هندوستان در بندر سورات در ۱۳ نوامبر ۱۹۲۱ ایراد نمودند در مجله البشارة هندوستان به چاپ رسیده است. (۲۴)

نامه‌های ایشان به افراد بهائی و غیربهائی که تعداد زیادی از آنها نزد دوستان موجود است و نمونه سبک زیبانیسی و احاطه وسیع ایشان به اصول و معارف امر بهائی و ادیان دیگر

است. بعضی از این نامه‌ها در مجلات و کتب امری به چاپ رسیده که در آنها شخصیت بارز و یگانه ایشان به خوبی منعکس می‌باشد. (۲۵)

نسخه خطی الواح مختلف که به خط خود استنساخ نموده و بسیار زیبا تذهیب شده است به صورت کتابی نفیس وجود دارد. این کتاب در خانواده افنان و در اختیار جناب حسن افنان در شهر سان‌دیاگوی کالیفرنیا می‌باشد.

یادداشت‌ها

- ۱- The Baha'i World 1928-1930, Baha'i Publishing Trust, Wilmette 11., P.81.
- ۲- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۳۶۹-۳۷۶.
- ۳- ایضاً، ص ۳۴۹.
- ۴- ایضاً، ص ۳۶۹-۳۷۶.
- ۵- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب جلد سوم، چاپ مصر ۱۳۴۰ ه. ق.، ۱۹۲۱ م، ص ۲۹۰-۲۹۱.
- ۶- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۳۶۹-۳۷۶.
- ۷- ایضاً، ص ۳۷۷-۳۷۸.
- ۸- ایضاً، ص ۳۶۷.
- ۹- ایضاً، ص ۳۷۹-۳۸۱.
- ۱۰- ایضاً، ص ۳۸۱-۳۸۲.
- ۱۱- حضرت عبدالبها لوح به افتخار آقا شیخ محمد علی، نسخه خطی.
- ۱۲- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۳۵۴-۳۵۸.
- ۱۳- ایضاً، ص ۳۶۹-۳۷۶ و ص ۳۸۷-۳۹۲.
- ۱۴- مکاتیب جلد سوم، چاپ مصر ۱۳۴۰ ه. ق.، ۱۹۲۱ م، ص ۲۸۷-۲۹۱ و ص ۲۶۷-۲۶۸.
- ۱۵- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۳۴۵-۳۴۶.
- ۱۶- ایضاً، ص ۳۶۷.
- ۱۷- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب جلد سوم، چاپ مصر ۱۳۴۰ ه. ق.، ۱۹۲۱ م، ص ۲۶۷-۲۶۸.
- ۱۸- حضرت عبدالبهاء، لوح به افتخار آقا شیخ محمد علی (به واسطه جناب آقا میرزا آقای زائر عشق آباد جناب آقا شیخ محمد علی علیه بهاء‌الله الابهی)، نسخه خطی.
- ۱۹- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۳۹۵.
- ۲۰- ابوالفضائل گلپایگانی، کشف الغطاء (کشف الغطاء عن حیل الاعداء)
- ۲۱- الشیخ محمد علی القاننی، دروس الدیانه، من منشورات دار النشر البهائیه فی البرازیل، ۱۴۵ ب، ۱۹۸۸ م.
- ۲۲- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، طهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۵ ب، ج ۶، ص ۳۹۳.
- ۲۳- ایضاً، ص ۳۹۳.
- ۲۴- ایضاً، ص ۳۸۱-۳۸۷.
- ۲۵- ایضاً، ص ۳۸۷-۳۹۲ و آهنگ بدیع سال ۲۵ شماره ۱ و ۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۹) ص ۴۸-۵۰ و سال ۲۲، شماره ۴ (فروردین ۱۳۴۶)، ص ۱۱۰-۱۱۱.